

تورم جهانی و بازار تابش در اقتصاد ایران

دکتر ضیاء الدین هیئت

قسمت دوم - افزایش قیمت‌ها در سال‌های اخیر در ایران و بازتاب تورم جهانی در اقتصاد ایران که در دوازده سال گذشته با اجرای دو برنامه پنج ساله از رشد قابل توجه همراه با ثبات نسبی قیمت‌ها برخوردار بود در سه سال اخیر دچار تورم نسبتاً شدید قیمت‌ها شد و اقدامات دولت تا کنون نتوانسته است از افزایش قیمت‌ها جلوگیری به عمل آورد و بیم آن می‌رود در صورتی که تدابیر اساسی برای رفع این خطر به عمل نیاید در سال‌های آتی با افزایش دائم التزاید هزینه‌های جاری و عمرانی دولت تورم تشدید گردیده و اقتصاد کشور دچار عواقب نامطلوب گردد. ذیلاً به اختصار علل عمده افزایش قیمت‌ها در سال‌های اخیر ایران و راه‌های مقابله با آن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

علل ثبات نسبی قیمت‌ها در دوره برنامه سوم در سه سال اول برنامه چهارم:

طی سال‌های ۱۳۴۱ الی ۱۳۴۶ که برنامه سوم بموقع اجراء گذاشته شد دولت با تجربه تلخی که از تورم گذشته داشت و با استفاده از کلیه امکانات و وسائل موجود از جمله با اتخاذ سیاست صحیح پولی و مالی سعی نمود ثبات نسبی قیمت‌ها را حفظ نماید و در نتیجه با وجود اینکه اجرای برنامه در شرایط نامساعد و رکود شروع شده بود بر اساس ارقام منتشره رشد اقتصادی بطور

متوسط سالانه ۸/۶٪ که ۲/۶٪ بیش از هدف پیش بینی شده بود بدست آمد و افزایش قیمت‌ها نیز در این دوره از ۱/۵ درصد در سال تجاوز نکرد. در سه سال اول برنامه چهارم، نیز چون افزایش حجم پول و افزایش فعالیتهای دولت و هزینه‌های عمومی اعم از جاری و عمرانی معتدل بود (افزایش سالیانه حجم پول ۱۸٪ و هزینه‌های عمرانی ۲۱٪ بود) با وجود رشد بیش از ده درصد، افزایش قیمت‌ها در حدود دو درصد بود.

تشدید افزایش قیمت‌ها در سالهای اخیر:

در دو سال آخر برنامه چهارم یعنی سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ افزایش قیمت‌ها تسریع گردید و به ۷ درصد در سال رسید. در سال ۱۳۵۲ که اولین سال اجرای برنامه پنجم بود افزایش قیمت‌ها به حدود ۱۶ درصد و از شش ماه اول سال جاری طبق برآورد های اولیه به حدود ۲۰ درصد رسید. پیش بینی می‌شود در سال آینده در صورتیکه اقدامات اساسی برای جلوگیری از تورم به عمل نیاید افزایش قیمت‌ها از ۲۰ درصد هم تجاوز نماید.

در سالهای مذکور به علت افزایش فوق العاده درآمد نفت حجم پول و اعتبارات بخش خصوصی و هزینه‌های دولت افزایش فوق العاده یافت. حجم پول در سال ۱۳۵۰ حدود ۲۰ درصد، هزینه‌های جاری ۳۰ درصد و اعتبارات عمرانی ۲۲ درصد و در سال ۱۳۵۱ حجم پول ۳۶ درصد و اعتبارات بخش خصوصی ۳۱ درصد و هزینه جاری دولت ۳۲ درصد و هزینه‌های عمرانی ۴۰ درصد افزایش یافت. در سال ۱۳۵۲ بودجه عادی ۲۴ درصد و بودجه عمرانی ۲۱ درصد بالارفت.

در اواخر سال ۱۳۵۲ بودجه سال ۱۳۵۳ ابتدا با رقم ۱۰۸۹ میلیارد ریال که ۳۲٪ بیش از رقم سال قبل است به تصویب مجلسین رسید و از ابتدای سال جاری بموقع اجراء گذاشته شد ولی در دی ماه سال جاری ضمن تصویب لایحه اصلاحیه رقم بودجه مزبور به بیش از ۲۰۰۰ میلیارد ریال رسید و بودجه سال

مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

۱۳۵۴ نیز با رقم ۲۴۴۵ میلیارد ریال از طرف دولت تقدیم مجلس گردید. با توجه به مطالب فوق معلوم می‌گردد که بودجه کل کشور در مدت دو سال به سه برابر بالغ گردیده و می‌توان گفت که همین امر یکی از موجبات اصلی تسریع افزایش قیمت‌ها در دو سال اخیر می‌باشد.

در سالهای آینده نیز پیش بینی می‌شود با افزایش فوق العاده درآمد نفت و با تجدید نظری که در برنامه پنجم بعمل آمده و حجم اعتبارات آن به بیش از دو برابر مجموع چهار برنامه قبلی رسیده است، هزینه‌های دولت و بخش خصوصی و حجم اعتبارات و پول در جریان سریع افزایش یابد و چون در مدت کوتاه افزایش عرضه کالاها و خدمات به میزانی که بتواند جوابگوی افزایش تقاضا باشد عملی نیست مسلم است در صورتی که اقدامات اساسی همه جانبه‌ای برای خنثی کردن تورم به عمل نیاید افزایش قیمت‌ها تشدید گردیده و اقتصاد کشور دچار لطمات شدید خواهد شد و بخصوص توزیع عادلانه درآمد‌ها که از بهترین هدف های برنامه پنجم است دچار شکست خواهد گردید.

علل عمده افزایش قیمت‌ها در ایران:

تورم ایران علاوه بر علل بنیادی هم ناشی از فشار تقاضا و هم ناشی از افزایش هزینه‌هاست.

بطور کلی رشد نامتعادل اقتصادی و کمبود عرضه برخی از رشته‌های تولید از جمله کشاورزی و مصالح ساختمانی و نیروی انسانی متخصص و نارسائی سازمانی را می‌توان در ردیف علل بنیادی تورم محسوب نمود. بعلاوه افزایش حجم پول و اعتبارات بخش خصوصی و هزینه‌های جاری و عمرانی دولت از طریق افزایش تقاضای کل و وجود عامل انحصار در تولید و توزیع اکثر فرآورده های صنعتی و حمایت زیاده از حد از مصنوعات داخلی و بالا رفتن قیمت مواد اولیه و ماشین آلات و کالاهای نیم ساخته و مواد

غذائی وارده از خارج از طریق افزایش هزینه ها افزایش قیمت ها را در کشور ایران در سال های اخیر تشدید کرده است .
ما، ذیلاً به اختصار عوامل اصلی تورم فوق را مورد بررسی قرار می دهیم :

الف - علل بنیادی:

مهمترین علل بنیادی تورم عبارت است از :

۱- رشد نامتعادل اقتصادی - رشد فوق العاده سریع اقتصادی ما امروزه زبازد کلیه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه است، ولی توسعه سریع و تحولات ناشی از آن در ضمن مشکلاتی نیز به وجود آورده است که مهمترین آنها پیدایش عدم تعادل و ناهم آهنگی بین بخش های مختلف اقتصادی بوده است . بدین توضیح که قسمت اعظم رشد اقتصادی کشور ما از برکت توسعه روز افزون نفت و سرمایه گذاری در بخش صنایع و خدمات است مثلاً در سال ۱۳۵۲ از ۳۴٪ رشد قسمت عمده مربوط به نفت و خدمات و فقط ۵/۸ درصد مربوط به کشاورزی بوده است .

در سال مورد بحث ، کشاورزی ۱۵٪ نفت ۲۸٪ و صنایع و معادن و ساختمان ۲۱٪ و خدمات ۳۶٪ درآمد ملی را تشکیل می داد . افزایش زیاده از حد بخش خدمات در درآمد ملی که بیشتر ایجاد تقاضا برای کالاها نموده است و طبیعتاً " بر عرضه کالاها نمی افزاید یکی از مهمترین عوامل موثر در بوجود آوردن تورم در ایران است . درآمد نفت که در تامین درآمد ارزی برای رفع نیازمندی رشد اقتصادی کشور نقش اساسی دارد با تزریق قدرت خرید و درآمد اضافی و ایجاد وسایل پرداخت جدید برای هزینه های دائم التزاید دولت موجبات افزایش قیمت کالاها و خدمات را در داخل فراهم مینمایند . بخش صنایع خصوصی که بیشتر از فعالیت هائی تشکیل شده است که مواد اولیه و مهارت صنعتی و ماشین آلات و قطعات آن اکثراً از خارج وارد می شود به علت

محیط شناسی

حمایت زیاده از حد و وجود عامل انحصار و مدیریت ناصحیح در اکثر آنها هزینه تولید بالا و جنس و کیفیت فرآورده هایشان نامرغوب و ارزش افزوده شان در پاره ای از موارد ناچیز و قیمت های محصولات آنها گران است . بخش کشاورزی که در اقتصاد کشور دارای اهمیت خاص است و حدود نیمی از اهالی کشور از درآمد آن ارتزاق می نمایند فقط ۱٪ درآمد ملی را داراست بعلاوه نسبت به سایر بخش ها در ده سال اخیر رشدش بسیار کم بوده است .

در کشاورزی ایران که مانند کشاورزی اکثر ممالک در حال توسعه در گذشته با مسائل بنیادی و اساسی مانند نظام مالکیت ارباب و رعیتی ، عدم پذیرش روشهای جدید ، عوامل محدود کننده طبیعی مانند کمبود آب و بالاخره پائین بودن کارآئی مواجه بوده است .

با اجرای کامل اصلاحات ارضی در ده سال گذشته سیستم مالکیت ارباب و رعیتی بر طرف شده و بالنتیجه زمینه برای پیشرفت فراهم گشت ولی در رفع موانع دیگر هنوز اقدامات اساسی به عمل نیامده از جمله در سالهای گذشته بخش کشاورزی با مقایسه با سایر بخش ها کمتر از اعتبارات استفاده نموده است و در نتیجه محصولات کشاورزی در دوره برنامه های سوم و چهارم کمتر از میزان پیش بینی شده افزایش یافت حال آنکه بعلت افزایش جمعیت و بالا رفتن درآمد عمومی تقاضا برای مواد غذایی فوق العاده بالا رفته است و همین امر بین عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی شکاف عمیق ایجاد نمود و سبب بالا رفتن قیمت مواد غذایی و مواد اولیه کشاورزی برای صنعت گشت .

۲- یکی از مهم ترین عوامل تورم در سال های اخیر وجود کمبود و تنگنا در بخش ساخت خانه های مسکونی است . بعلت سرمایه گذاری وسیع بخش دولتی و بخش خصوصی در بخش ساختمان تقاضا برای مصالح، کارگر ماهر ساختمانی فوق العاده

افزایش یافت و چون کثرت عرضه مصالح ساختمانی و نیروی انسانی ماهر بسیار کم بود در نتیجه قیمت مصالح ساختمانی و مزد کارگر و بنا فوق العاده بالا رفت و هزینه مسکن که یکی از مهمترین اقلام هزینه زندگی است در دو سال اخیر بطور فوق العاده افزایش یافت .

مشکلات بنیاد خاص اقتصادی ایران :

مشکلاتی که از بنیاد های اقتصادی خاص ایران حاصل می شود روشن است . پائین بودن بازده تولید کشاورزی سبب افزایش قیمت مواد اولیه و محصولات غذایی و انکاء کشور بخارج برای مواد اولیه صنعتی و کالاهای مصرفی می شود و بالا بودن هزینه تولید و نامرغوبی کیفیت محصولات صنعتی و گرانی قیمت آنها نه فقط مصرف کننده را برای همیشه از دسترسی به کالاهای ارزانتر محروم می کند بلکه اقتصاد کشور را به سوی رشته هائی ناسالم که برتری نسبی آنها مسلم نیست سوق می دهد و موجبات افزایش قیمت هارا بطور مدام فراهم می نماید . بطوری که قبلاً گفته شد بالا بودن سطح عمومی قیمت ها در ایران ناشی از عوامل مختلف است که پاره ای از آنها مربوط به مشکلات بنیان اقتصاد خاص ایران است که فوقاً به آنها به اختصار اشاره شد و پاره ای دیگر مربوط به سیاست های پولی و ارزی و مالی و کشاورزی و بازرگانی و صنعتی دولت است که پاره ای از آنها از طریق افزایش تقاضا و برخی از راه افزایش هزینه ها قیمت هارا تحت فشار تورمی قرار می دهد که دیلاً مورد بررسی قرار می گیرد :

ب - عوامل تورم ناشی از فشار تقاضا

۱- سیاست پولی و اعتباری : سیاست پولی به معنی عام شامل نظارت بر حجم پول کشور و نرخ ارز و کنترل حجم اعتبارات و توزیع آن بین بخش های مختلف اقتصادی و تشویق پس انداز و هدایت آن به سوی سرمایه گذاری در امور تولیدی و عمرانی کشور

مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

است . امروز هدف اصلی هر سیاست پولی تامین حداکثر رشد اقتصادی توأم با حفظ ارزش داخلی و خارجی پول کشور است . افزایش حجم پول باید معتدل و متناسب با افزایش میزان تولیدات باشد و یا امکانات وسیع مالی که دولت در حال حاضر در اختیار دارد باید از سیستم بانکی کمترین استفاده رانموده و راه را باز گذارد که اعتبارات بسوی بخش خصوصی برای برآوردن نیازمندی های تولیدی کشور در بخش کشاورزی و صنایع متوجه شود . بعلاوه در کشورهای در حال توسعه برخلاف کشورهای توسعه یافته تامین تعادل بین کل تقاضا و عرضه کافی نیست زیرا ممکن است در شرایطی که تقاضا و عرضه کلی باهم تعادل داشته باشند بین بخش های مختلف آن تناسب لازم وجود نداشته باشد و منجر به تورم گروهی شود و در این حالت ممکن است در برخی از رشته ها رکود و در برخی دیگر تورم مشاهده گردد . بنابراین بایستی علاوه بر رعایت تعادل بین کل تقاضا و عرضه اعتبارات بیشتر به رشته هائی که قدرت جذب آزاد دارند سوق داده شود و سهم عمده آن به رشته هائی که موجب افزایش عرضه کالا می شود اختصاص یابد در دوره برنامه سوم و چهارم توزیع اعتبارات بخش خصوصی بین بخش های مختلف اقتصاد متناسب با اهمیت بخش های مزبور به عمل نیامد مثلاً در سال ۱۳۵۲ که حجم پول ۲۸ درصد اعتبارات بخش خصوصی ۳۵ درصد افزایش یافت کشاورزی که ۱۶ درصد درآمد ملی را تشکیل می داد از ۷ درصد و بازرگانی داخلی که حدود ۱۰ درصد درآمد ملی بود از ۳۰ درصد اعتبارات بخش خصوصی بهره مند گردید . بنابراین می توان گفت که یکی از عوامل افزایش قیمت ها در سالهای اخیر افزایش فوق العاده اعتبارات بخش خصوصی و توزیع نامتناسب آن بین بخش های مختلف اقتصاد بود .

بانک مرکزی ایران با وسائلی که در اختیار دارد (تغییرات نرخ بهره تنزیل و تعیین ضرائب سپرده) و محل مصرف آنها

و تعیین حداکثر حجم اعتبارات و ترتیب توزیع آن بین رشته‌های مختلف اقتصادی (می‌تواند تا حدودی حجم وسایل پرداخت را با عرضه کالاها و خدمات متعادل سازد . اقدامات بانک مرکزی در سال گذشته و سال جاری در محدود کردن تقاضا به منظور مبارزه با تورم شایان توجه می‌باشد . بانک مرکزی با تسهیلات اعتباری که نسبت به بخش کشاورزی و واردات در سال جاری به عمل آورد در نتیجه اندکی بهبودی در ترکیب اعتبارات حاصل شد و سهم کشاورزی و واردات از اعتبارات از ۳۶ در صد سال ۵۲ به ۴۳ در صد در شش‌ماه اول سال جاری افزایش یافت ولی باید دانست که سیاست پولی به تنهایی نمی‌تواند مشکل تورم را حل کند و بایستی سایر سیاست‌ها از جمله سیاست مالی نیز با آن هم‌آهنگ باشد زیرا بطوری که قبلاً گفته شد افزایش حجم پول و اعتبارات در درجه اول معلول افزایش درآمدها از طریق بودجه عمرانی و عادی دولت و بالنتیجه افزایش قیمت‌ها می‌باشد و نه علت آن .

سیاست مالی - سیاست مالی در ایجاد تعادل بین تقاضای کل و عرضه کل کالاها و خدمات و سرمایه‌گذاری بخش دولتی و بخش خصوصی در رشته‌های مختلف اقتصادی و تامین ثبات نسبی قیمت‌ها اهمیت فوق‌العاده دارد . سیاست مالی بر کلیه عملیات دولت خواه در زمینه فعالیت عمرانی و تامین رفاه اجتماعی و خواه در زمینه سایر فعالیت‌ها مربوط می‌شود .

سیاست مالی در کشور ما بر اثر توسعه فوق‌العاده فعالیت‌های عمرانی بخش دولتی و افزایش حجم بودجه با مقایسه با سایر کشورها مفهوم و سیعتری دارد .

در حال حاضر بودجه دولت اعم از عمرانی و عادی به بیش از ۲۰۰۰ میلیارد ریال بالغ می‌شود که بیش از هفتاد درصد درآمد ملی است و چنانکه یاد شد در سالهای آینده با افزایش معتنا به درآمد نفت توسعه بیشتری خواهد یافت . به نظر می‌رسد امروزه میان کشورهای جهان آزاد کمتر کشوری پیدا می‌شود که عملیات بخش عمومی آن تا این حد وسعت داشته باشد .

محیط‌شناسی

طی پنج سال دوران برنامه چهارم بودجه عادی و عمرانی دولت سالانه بطور متوسط ۲۲ درصد بالا رفت و چنانکه می‌دانیم افزایش درآمد نفت نقش عمده را در این افزایش داشته‌است ، بدین شرح که درآمد نفت در سالهای مزبور بطور متوسط سالانه ۲۰٪ افزایش یافت در حالیکه حدود ۵۰ درصد از درآمد دولت را تشکیل می‌داد . گسترش هزینه‌ها در سالهای اخیر که حاکی از توسعه فعالیت‌های دولت برای تحقق بخشیدن به هدفهای برنامه‌های عمرانی بود موجب گشت که در بخش‌های مختلف تحرک بیشتر بوجود آید .

در سال ۵۲ هزینه‌های جاری دولت ۴۷ درصد و سرمایه‌گذاری ۲۴ درصد (به قیمت ثابت ۱۸ درصد) و مجموعاً " ۳۹ درصد افزایش یافت و در سال جاری نیز هزینه‌های عادی و عمرانی دولت بیش از ۲/۹ برابر شده‌است و چون هزینه‌های ریالی دولت قسمت عمده (حدود ۸۰ درصد) از محل نفت است که از خارج به اقتصاد کشور تزریق می‌گردد بنابراین اثر انبساطی دارد و طبق محاسباتی که توسط مقامات پولی بعمل آمده‌است، در نیمه اول سال جاری اثر انبساطی بودجه دولت دو و نیم برابر سال قبل است که قسمتی از آن از طریق واردات خنثی گردیده و بقیه از راه افزایش حجم پول و اعتبارات بخش خصوصی موجب افزایش قیمت‌ها را فراهم کرده‌است . در نتیجه با وجود اقدامات وسیع دولت در مبارزه با تورم فقط در مدت شش‌ماه اول سال جاری قیمت‌ها حدود ۲۰ درصد افزایش یافته‌است .

نکته قابل توجه اینکه در سه سال اخیر بخصرص هزینه‌های غیر تولیدی فوق‌العاده افزایش یافته و در مدت مذکور سه برابر گردیده و هر سال بودجه عادی دولت بیشتر وابسته به درآمد نفت می‌گردد . مثلاً بودجه سال ۱۳۵۴ که اخیراً به مجلسین تسلیم شد حدود ۸۳ درصد از هزینه‌های جاری از محل نفت تامین خواهد گردید و بدین ترتیب بودجه اعم از لحاظ هزینه‌های عمرانی و هم از لحاظ هزینه‌های جاری به شدت وابسته

به نفت شده است .

اکنون بزرگترین خطری که ما با آن مواجهیم عبارت از این است که چون درآمد نفت افزایش یافته و امکانات مالی کشور بطور وسیع و بی سابقه بالا رفته است ممکن است فکر کنیم امکانات مالی همه مشکلات را حل خواهد کرد از این رو باید همه با سرعت شروع به خرج کردن کنیم و طرحها و برنامهها را با سرعت و وسعت بیشتر به اجراء درآوریم ولی باید دانست که هرافتصاد برای سرمایه‌گذاری گنجایش دارد و نمی‌تواند از حدود معین بیشتر سرمایه جذب کند و اگر این نکته رعایت نشود از آن نتیجه عکس به دست خواهد آمد .

لزوم تهیه برنامه‌های حقیقی برای برنامه‌های عمرانی کشور :

به نظر ما برای اجرای برنامه‌های عمرانی و تولیدی تنها نباید اکتفا به تهیه برنامه‌های مالی بشود بلکه لازم است همراه برنامه‌های مالی برنامه‌های حقیقی برای هر طرح مبتنی بر منابع فیزیکی مورد لزوم از قبیل نیروی انسانی و مواد اولیه و نیم ساخته و حتی کالاهای مصرفی که بطور غیر مستقیم برای آنها با تزریق درآمد از طریق هزینه‌های طرح تقاضا ایجاد می‌شود تنظیم شود زیرا اگر برنامه‌های مالی بر اساس برنامه‌های حقیقی تهیه نشود کمبود و تنگنا بوجود می‌آید و تورم بروز می‌کند . و در نتیجه اجرای برنامه‌ها با شکست مواجه خواهد شد .

مثلا برنامه تامین مسکن دولت برای کارمندان دولت و طبقات کم درآمد تجربه‌ای آموزنده در این زمینه است . دولت در دو سال گذشته کوشش نمود با اعطای اعتبارات وسیع از طریق بانکها تسهیلات لازم جهت خانه‌سازی برای طبقات فوق‌افراهم سازد ولی چون برنامه حقیقی از لحاظ مصالح ساختمانی و کارگران ماهر مورد نیاز توام با برنامه مالی تهیه نشده بود اجرای برنامه مذکور با شکست روبرو شد و نه تنها برای افراد مذکور خانه تهیه نشد بلکه افزایش هزینه کرایه مسکن و گرانی قیمت آپارتمان و خانه‌های مسکونی به بار آمد .

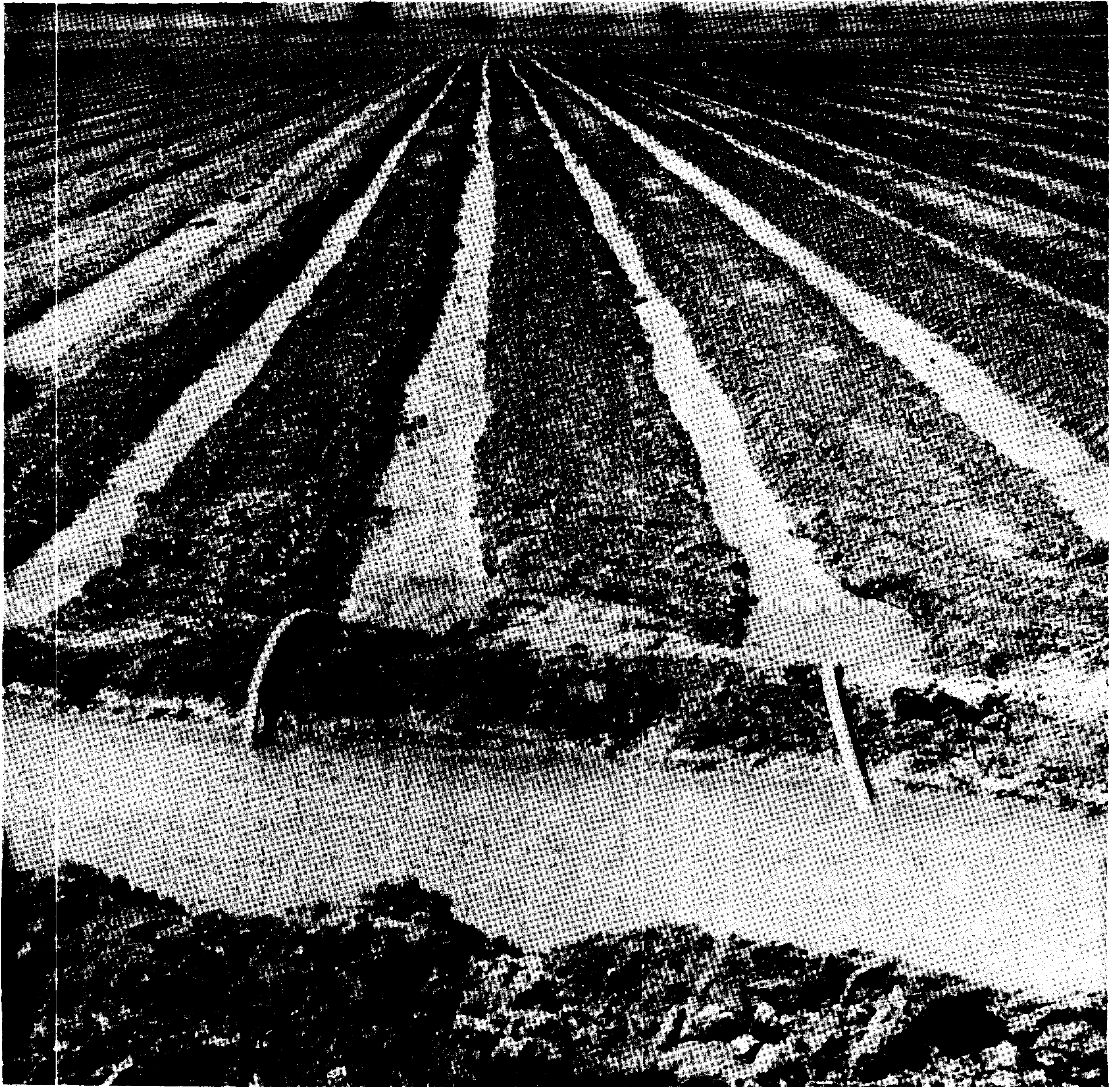
مرکز هماهنگی مطالعات محیط‌زیست

با توجه به مراتب فوق دولت بایستی در تنظیم برنامه‌های عمرانی برای کلیه طرحها همراه با برنامه‌های مالی ، برنامه‌های حقیقی با در نظر گرفتن منابع طبیعی و انسانی موجود کشور از لحاظ مواد اولیه و نیروی کارگرمتخصص و کالاهای مصرفی (که با تزریق درآمد از طریق هزینه‌های طرحها برای آنها ایجاد تقاضا می‌شود) تنظیم کند و هرگاه عرضه مواد اولیه و کالاهای خدمات در داخل کشور کافی نباشد آنها را با شرایط مناسب از خارج وارد کند یا اینکه در طرحها تجدید نظر نموده و آنها را با منابع حقیقی منطبق سازد و یا اینکه تافراهم شدن منابع حقیقی موقتا اجرای طرح‌ها را متوقف نماید .

هم چنین باید دولت و بخش خصوصی در مصرف منابع کشور از سیاست صرفه‌جویی پیروی کنند و بایستی صرفه‌جویی به صرفه‌جویی در کاغذ و پذیرائی محدود شود بلکه تعمیم صرفه‌جویی در کلیه اقلام خرج شود تا کارآئی موسسات دولتی و خصوصی افزایش یابد و از هزینه تجملی و ریخت و پاش چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی احتراز شود .

لزوم تهیه بودجه اقتصادی همراه بودجه برنامه‌های

در سال‌های اخیر در تنظیم بودجه کل کشور پیشرفت‌های قابل توجه بعمل آمده و بودجه کل کشور به صورت بودجه برنامه‌های درآمدی است . بدین توضیح که دستگاهها مختلف دولت تعداد مهندسان و کارگران فنی و سایر کارمندان متخصص مورد لزوم برای هر طرح را برآورد نموده و حقوق آنها را محاسبه کرده همچنین مقدار مصالح ساختمانی و لوازم تاسیساتی مربوطه را نیز ارزشیابی کرده و اعتبار مورد نیاز برای همه آنها را برآورد کرده و در بودجه کل منظور می‌نمایند . البته تا دو سال قبل که اعتبارات و ارزش کشور محدود بود تهیه بودجه برنامه‌های به شرح فوق وافی به مقصود بود ولی امروز چون مسئله اعتبار و ارزش با افزایش فوق‌العاده درآمد نفت بیش از قدرت جذب کشور می‌باشد و از این رو عامل



نامحدود محسوب می گردد و بر عکس به علت چندین برابر شدن حجم طرح های عمرانی و صنعتی و اجتماعی منابع حقیقی داخلی که عرضه آن در مدت کوتاه قابل افزایش به مقدار نیاز نیست عامل محدود کنی محسوب می گردد. از این رو در حال حاضر شرط لازم برای اجرای طرحها وجود منابع حقیقی لازم از جمله نیروی انسانی متخصص و مواد اولیه ساختمانی و امکانات وارداتی است نه اعتبار و ارز.

در سال ۵۳ که حجم و تعداد طرحها چند برابر شده است به نظر می رسد نیروی انسانی متخصص و امکانات وارداتی بعلت محدودیت ظرفیت بنادر و انبارها و وسایل حمل و نقل نمی تواند پاسخگوی نیاز همه طرحها باشد و چون در مدت کوتاه نیز امکان افزایش عرضه آن محدود است در نتیجه رقابت شدید بین طرح ها برای جلب نیروی انسانی متخصص و مواد اولیه و غیره به وجود خواهد آمد و در نتیجه بر میزان حقوق و دستمزد فوق العاده افزوده گردیده و قیمت لوازم ساختمانی و تاسیساتی بالا رفته و همین عامل از طریق افزایش هزینهها موجبات ترقی قیمت هارا فراهم خواهد کرد.

بطور کلی می توان گفت هدف اولیه بودجه نویسی تقسیم منابع محدود کشور بین طرح ها بر اساس اولویت می باشد و چون در حال حاضر منابع حقیقی از قبیل نیروی انسانی و لوازم تاسیساتی و ساختمانی عامل محدود محسوب می شود بنابراین بایستی بودجه بر اساس منابع محدود مذکور تهیه گردد و نه اعتبار و ارزش که در شرایط فعلی عامل نامحدود می باشد و این روش بودجه نویسی همانست که امروز اصطلاحاً به بودجه بندی اقتصادی موسوم می باشد و در کشورهای متری از جمله فرانسه متداول است.

سیاست مالیاتی - تاکنون هدف اصلی سیاست مالیاتی دولت تحصیل درآمد برای دولت بود و از این رو قسمت عمده مالیات به صورت غیر مستقیم وصول می شد ولی امروز با توجه به منابع وسیع مالی که از محل درآمد نفت در اختیار دولت است لازم است

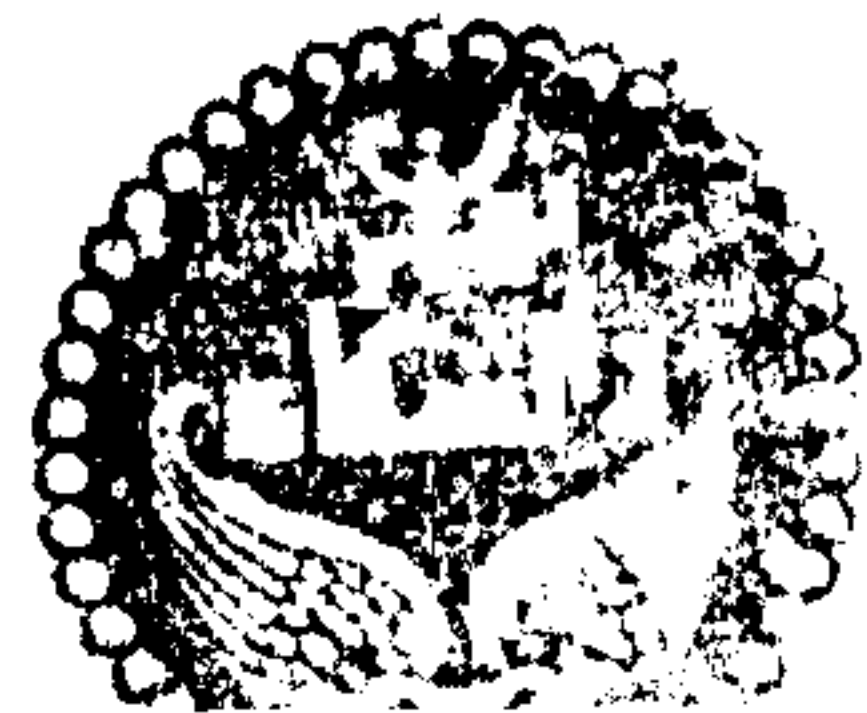
در هدف مزبور تغییراتی داده شود و سیاست مالیاتی بر اساس توزیع عادلانه درآمد و تشویق فعالیت های تولیدی مفید و دلسرد نمودن کارهای غیر تولیدی و بورس بازی تنظیم گردد و قسمت عمده مالیاتها مانند کشورهای متری دیگر به صورت مستقیم وصول گردد و مالیات های غیر مستقیم بر کالاهای غیر ضروری حذف شود و همچنین برای کمک به افراد کم درآمد و با توجه به افزایش هزینه زندگی بر میزان حداقل بخشودگی افزوده گردد.

سیاست کشاورزی - کشاورزی ایران در دوره های برنامه های سوم و چهارم کمتر از متوسط رشد سایر بخش های اقتصادی از جمله صنایع و معادن و خدمات از رشد برخوردار گردید و در نتیجه هر سال از سهم آن در درآمد ملی کاسته شد و در حال حاضر سهم آن از درآمد ملی حدود ۱۵ درصد ولی ۴۰ درصد از نیروی انسانی شاغل در این بخش اشتغال دارد. همچنین بخش کشاورزی که تا چند سال قبل بطور خالص صادرکننده و از منابع مهم تهیه ارز برای کشور محسوب می گردید در سال های اخیر بطور خالص وارد کننده گردیده است به عنوان مثال در سال ۱۳۴۱ ترا صادرات و واردات کشاورزی جمعا ۲۷۹۰ میلیون ریال مثبت بود ولی در سال ۵۱ حدود ۸۵۳۵ میلیون ریال منفی گردید و مسلماً در سال های ۵۲ و ۵۳ این شکاف عمیق تر گردیده است.

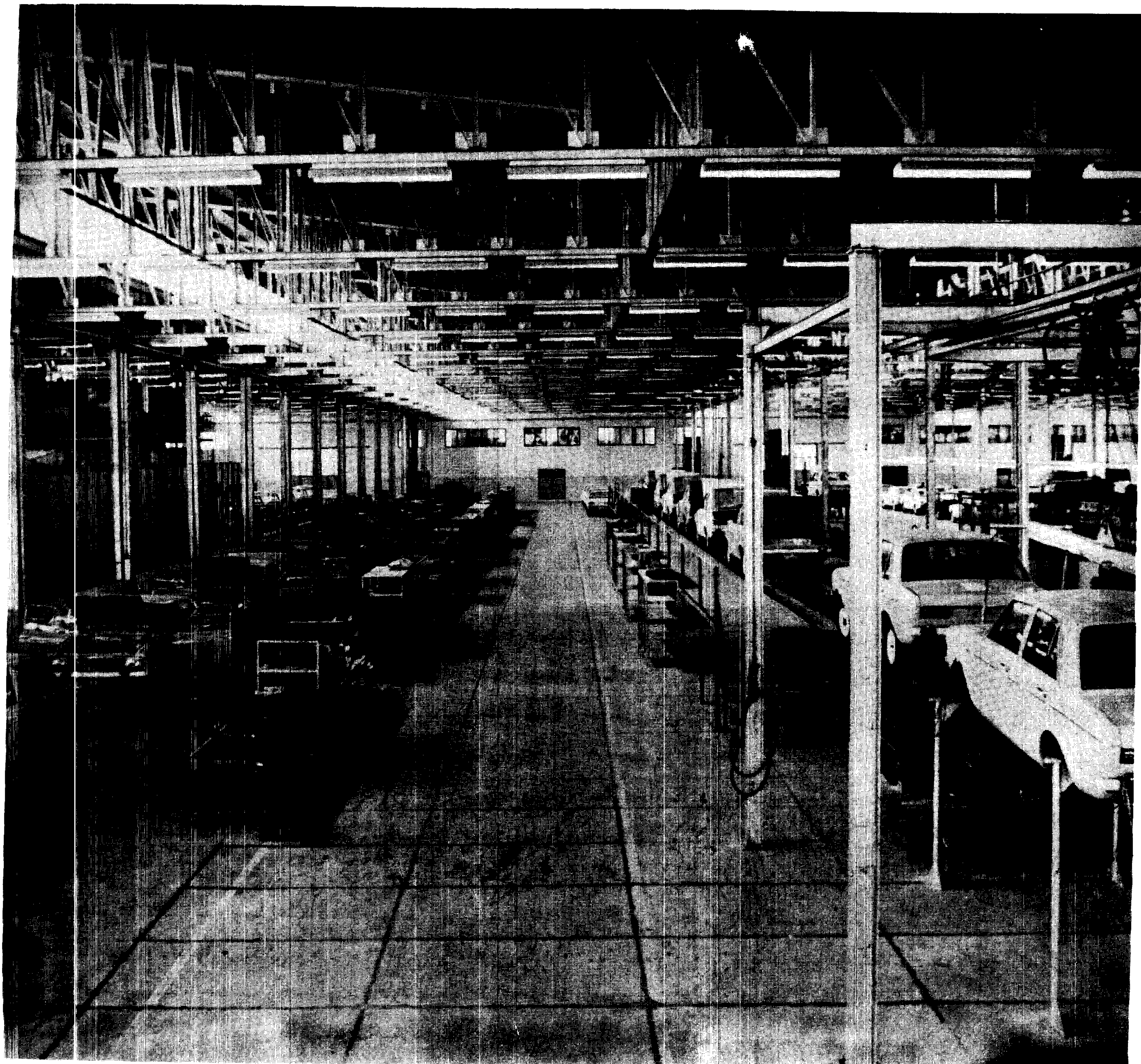
یکی از علل اساسی رشد کم کشاورزی با وجود اینکه با اجرای اصلاحات ارضی و مالکیت زارعین، مسلماً انگیزه ازدیاد تولید در آنها به وجود آمده عدم توجه کافی در برنامه های عمرانی کشور به بخش کشاورزی و تخصیص اعتبار کمتر به کشاورزی است. کشاورزی که در طی سالهای ۴۷-۵۱ بطور متوسط ۲۱ درصد از درآمد ملی را تشکیل می داد فقط ۱۹ درصد از اعتبارات را استفاده کرده است. بخش خصوصی بعلت اینکه تولیدات کشاورزی شدیداً تابع عوامل جوی است بانبودن بیمه محصولات کشاورزی و پراکند بودن واحدهای کشاورزی و دیر به ثمر رسیدن نتایج سرمایه گذاری تمایل زیادی به سرمایه گذاری در این رشته ندارند و بایستی بخش

مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

کتابخانه مرکز هماهنگی



مطالعات محیط زیست



محیط شناسی

دولتی قسمت عمده سرمایه‌گذاری در این بخش را به عهده بگیرد و علاوه بر این تشویق سرمایه‌گذاران خصوصی بایستی با وسایل مقتضی اشتغال در کشاورزی را به یک فعالیت انتفاعی تبدیل نمود. البته در مدت کوتاه ممکن است با ارز خاص از نفت کمبود محصولات کشاورزی را جبران کرد در مدت بلند با توجه به رشد سریع اقتصاد و افزایش جمعیت ایران و احتیاج مبرم به افزایش تولیدات مواد غذایی و مواد خام کشاورزی و کمبود عرضه جهانی و در نتیجه افزایش قیمت آنها باید به طریق مختلف از جمله تخصیص اعتبار کافی و افزایش انگیزه اقتصادی در کشاورزان از طرق تشبیت قیمت محصولات و بیمه کشاورزی تولیدات کشاورزی را افزایش داد جای بسی خوشوقتی است که در برنامه پنجم اولویت خاصی برای کشاورزی متوسط گرفته شده و تسهیلات بیشتر اعتباری منظور گردیده و موضوع تعیین حداقل قیمت محصولات کشاورزی و غیر کشاورزی مورد توجه واقع شده است.

سیاست بازرگانی و صنعتی: رشد تولیدات صنعتی کشور در دو

سال اخیر درخشان و زیادتر از متوسط رشد تولید ناخالص ملی بوده است. در مدت مذکور برخی از صنایع اساسی از قبیل ذوب آهن و پتروشیمی و ماشین سازی توسط بخش دولتی ایجاد شده است و در نظر است در دوران برنامه پنجم در سال های آینده صنایع مهم دیگر از جمله صنایع الکترونیکی و اتمی توسط دولت تاسیس شود که مسلماً در پیشرفت صنعتی کشور نقش مهمی ایفا خواهد نمود. ولی اکثر صنایع ایجاد شده توسط بخش خصوصی جنبه مونتاژ داشته است و با استفاده از درآمد بخش نفت مواد اولیه و مهارت صنعتی و لوازم بیدکی و کالاهای نیم ساخته از خارج وارد می شود و بعلت حمایت زیاده از حد دولت و وجود عامل انحصار در کلیه آنها و فقدان مدیریت صحیح هزینه تولید آنها زیاد و جنس فرآورده ها نامرغوب است. قیمت محصولات صنایع

مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

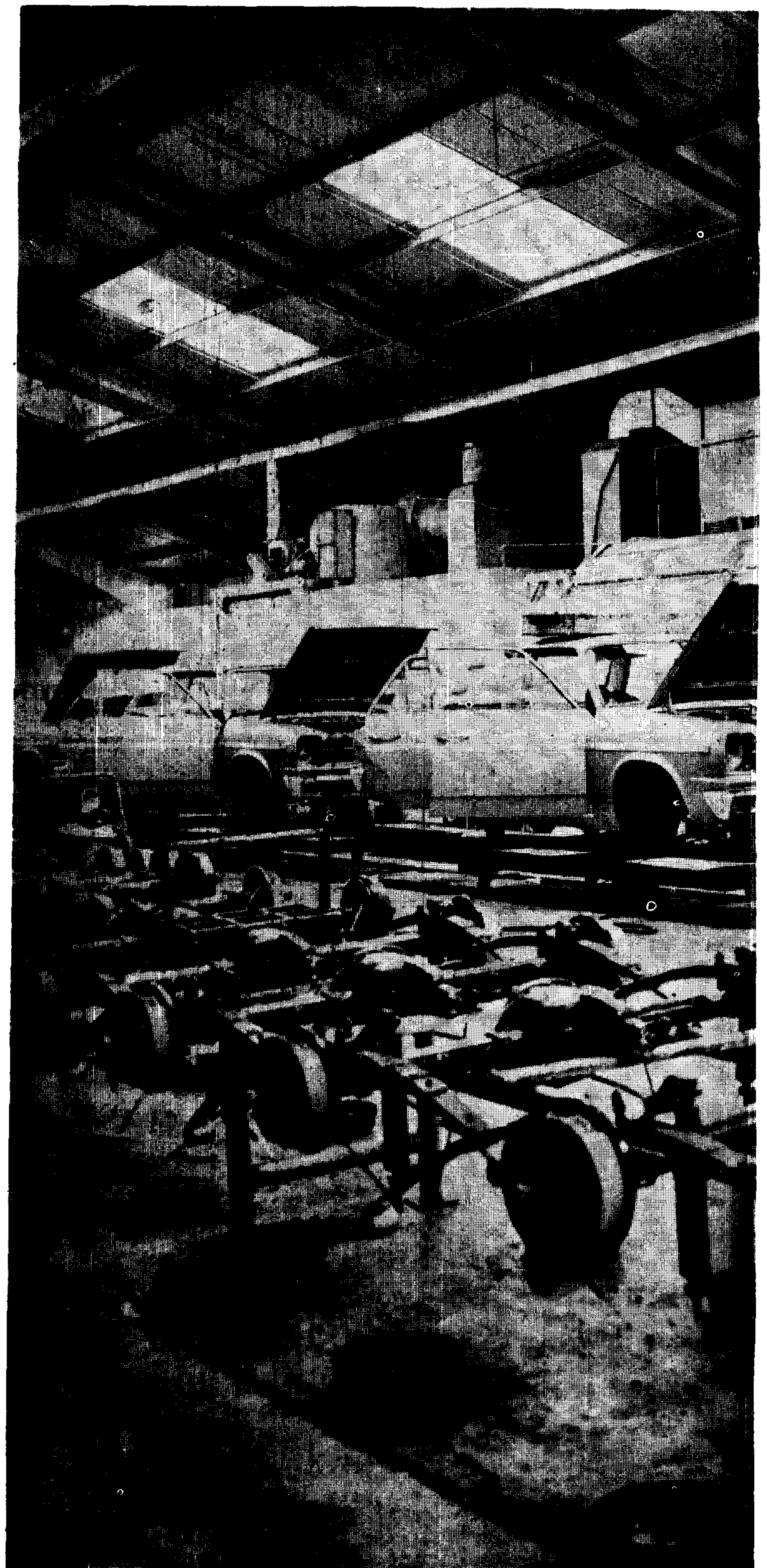
مذکور به علت بالا بودن هزینه تولید و همچنین سود سرشاری که عاید صاحبان انحصاری و نیمه انحصاری (الیگوپولی) می گردد فوق العاده زیاد است که همین امر یکی از علل عمده سیر صعودی قیمت ها در کشور است.

حمایت حقیقی از صنایع مونتاژ چندین برابر سود بازرگانی و حقوق گمرکی اصلی می باشد:

سود بازرگانی و حقوق گمرکی اکثر کالاهای مشابه مصنوعات داخلی از قبیل اتوموبیل و یخچال و لوازم الکتریکی فوق العاده زیاد و در پاره ای موارد به ۲۰۰٪ ارزش کالا می رسد. نکته شایان توجه اینکه حمایت حقیقی که از مصنوعات داخلی مذکور می شود بسیار زیادتر از سود بازرگانی و حقوقی و گمرکی می باشد که در بادی امر به نظر می رسد چنانکه حتی در پاره ای موارد ممکن است به چند برابر ارزش کالا برسد. به عنوان مثال هرگاه فرض شود که ۲۰ درصد کالا در داخل تهیه و ۸۰ درصد آن با استفاده از معافیت از پرداخت حقوق گمرکی به صورت نیم ساخته از خارج وارد شود (مانند اتومبیل) و ۲۰۰ درصد سود بازرگانی بر کالای مشابه خارجی بار شده باشد حمایت حقیقی کالای مونتاژ شده در داخل معادل $(10 = \frac{200}{20})$ ده برابر سود بازرگانی اسمی خواهد بود به علاوه صنایع مونتاژ کشور در حال حاضر از لحاظ موازنه بازرگانی بشدت منفی می باشد زیرا در سال ۵۲، ۳ میلیارد دلار که معادل ۶۰ درصد از کل واردات کشور می باشد به ورود مواد اولیه و نیم ساخته برای صنایع مونتاژ داخلی اختصاص داشته است و در مقابل فقط صنایع مذکور ۱۰۰ میلیون دلار (معادل $\frac{100}{3000}$ واردات) صادرات داشته است که تماماً از محل درآمد نفت تامین شده است معلوم نیست اگر روزی درآمد نفت قطع شود صنایع مزبور از چه محل خواهند توانست ارز لازم برای ورود مواد اولیه و نیم ساخته خود را تامین کنند. شاید در مراحل اولیه صنعتی

شدن کشور اعطاء حمایت بی حد و بی حساب غیر قابل اجتناب بوده است ولی به نظر می رسد اکنون وقت آن رسیده است که در سیاست حمایت از مصنوعات داخلی کشور تجدید نظر کلی به عمل آید . به عقیده اینجانب بهتر است دولت به جای وضع سود بازرگانی زیاده از حد از طریق اعطاء اعتبارات کافی و ارزان به صاحبان صنایع و معاف داشتن مواد اولیه و ماشین آلات مولد از هرگونه عوارض گمرکی و در اختیار گذاردن نیروی کار و برق و وسایل حمل و نقل ارزان و کمک به تربیت کادر فنی متخصص و کارگران ماهر از مصنوعات داخلی حمایت نماید و در عوارض گمرکی و سود بازرگانی کالاهای مشابه تعدیل های اساسی به عمل آورده تا بدین ترتیب موسسات صنعتی داخلی از وضع انحصاری خارج شوند و در برابر رقابت خارجی و داخلی که اثر تربیتی خواهد داشت قرار گیرند و ناچار شوند با صرفه جوئی در هزینه و بهبود وضع اداری و مدیریت ، کارآئی موسسات خود را بالا ببرند و بالنتیجه هم مصرف کنندگان بعد از مدتها فداکاری به کالاهای مرغوب با قیمت مناسب دسترسی بیابند و هم صنایع داخلی بتوانند در آینده از لحاظ مخارج ارزی روی پای خود بایستند و اگر روزی درآمد نفتی کشور کاهش یافت و یا بالکل تمام شد لاقلاً کشور دارای یک رشته از صنایع اساسی و سالم باشد . در رشته هایی که دولت با بخش خصوصی توأما فعالیت می کند باید بین آنها رقابت در شرایط مساوی و عادلانه برقرار شود مثلاً دولت از امتیازات خاصی مانند اجاره محل و مالیات و حقوق گمرکی و سود بازرگانی و فروش انحصاری استفاده نکند تا بدین ترتیب از طریق صرفه جوئی در هزینه کارآئی و سودآوری موسسات دولتی نیز افزایش یابد .

بطور کلی بنظر اینجانب بایستی سیاست حمایت دولت از صنایع داخلی معتدل و حساب شده و موقت باشد چنانکه از حداکثر شروع و بتدریج از سطح آن کاسته و پس از مدتی معین



بالکل قطع شود. در صنایع مونتاژ بایستی میزان حمایت متناسب با درصدی باشد که در داخل ساخته می شود والا حمایت از صنایع داخلی در حقیقت عبارت است از حمایت از صنایع خارجی خواهد بود که برای اینکه شناخته نشود ملبس به لباس ملی شده است چه در غیر اینصورت صنایع مونتاژ همیشه در حال مونتاژ باقی خواهد ماند و هیچ وقت به صنعت اصیل مبدل نخواهد گشت. همچنین بیشترین حمایت اختصاص به صنایعی یابد که مواد اولیه و نیم ساخته آنها در کشور تولید می شود و یا اینکه در مدت کوتاه بتواند با صادرات فرآورده های خود ارز لازم را برای ورود مواد اولیه و نیم ساخته خود را تامین نماید تا بدین ترتیب صنایع کشور در آینده از درآمد نفت بی نیاز گردیده و اگر روزی درآمد نفت قطع شد از هم پاشیده نشود.

افزایش مزدها و هزینه بیمه های اجتماعی - در دوره برنامه سوم و چهارم مزدها و حقوق ها در رشته صنایع بطور متوسط ۵۰ درصد و ساختمان ۱۰۰ درصد افزایش یافت و در سال ۵۲ در ۲۱ رشته صنعتی منتخب مزد و حقوق کارکنان ۲۷ درصد و در رشته ساختمان ۲۲ درصد بالا رفت و چون بهره وری کار در رشته های مذکور به میزان افزایش مزدها و حقوق ها ترقی نمود (در برخی از رشته های تولیدی از جمله ساختمان به علت توسعه فوق العاده فعالیت و کمبود کارگر متخصص و تکنیسین از کارگران غیر متخصص استفاده شد و در نتیجه بهره وری تنزل نمود) بالنتیجه بر هزینه های تولیدی افزوده شد.

باید دانست که علاوه بر افزایش مزدها سهم شدن کارگران در سود موسسات و تعمیم بیمه های اجتماعی نیز مبالغی بر هزینه تولید افزود بدون شک تحول مزبور از نظر تامین عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد تحویل مطلوب محسوب میگردد ولی چون برای افزایش بهره وری کار کوشش به عمل نیامده و یا اینکه کار فرمایان نخواسته اند قسمتی از افزایش مزدها را از محل سود سرشار خود خنثی نمایند و بلکه همه آنها را از طریق افزایش قیمت

مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

محصولات خود به مصرف کننده تحمیل نموده اند از این رومی توان گفت که یکی از علل افزایش قیمت ها در سالهای اخیر همین عامل بوده است.

مطلب فوق در مورد کشاورزی نیز مصداق دارد زیرا در بخش مزبور نیز بالا رفتن سطح زندگی کشاورزان در سالهای اخیر بدون اینکه بهره وری افزایش یابد سبب بالا رفتن قیمت محصولات کشاورزی گردیده است. برای اینکه ترقی سطح زندگی کارگران صنایع و کشاورزان سبب افزایش قیمت ها نشود بایستی سعی شود بازده کار در صنعت و کشاورزی افزایش یابد بعلاوه در بخش کشاورزی ضروری است برای بالا بردن درآمد روستائیان کارهای جنبی برای آنها در نظر گرفته شود.

تورم جهانی و اثرات آن در افزایش قیمت های جهانی

افزایش قیمت ها در کشور ما در سه سال گذشته تا حدودی ناشی از تورم جهانی بوده است که از طریق تجارت خارجی به اقتصاد کشور نفوذ نموده و سبب بالا رفتن کالاهای مصرفی و هزینه تولید کالاهای صنعتی گردیده است.

بهاء کالاهای وارداتی طبق ارقام بانک مرکزی ایران در دو سال گذشته سالانه حدود ۱۴ درصد بالا رفته است و با توجه به اینکه قسمت عمده کالاهای سرمایه ای و نیم ساخته مورد نیاز صنایع مونتاژ و مواد اولیه برخی از صنایع و همچنین قسمتی از کالاهای مصرفی و مواد خوراکی مردم از خارج وارد می شود قیمت داخلی کالاهای مزبور نیز افزایش یافته است.

برای تعیین اثرات تورم جهانی در افزایش قیمت های داخلی جدول زیر که بر اساس ارقام بانک مرکزی ایران تهیه گردیده است درج می گردد.

ضریب اهمیت شاخص قیمت‌ها اسفند ۵۲ نسبت پایان شهریور
به ماه مشابه سال ۵۳ نسبت به
قبل اسفند ۵۲

۱۰۰	شاخص کل	۱۶/۳	۱۹/۹
۷۸/۱	کالای تولید و مصرف داخلی	۱۵/۳	۲۰/۸
۱۷/۲	واردات	۱۴/۴	۱۵/۸
۴/۷	صادرات	۳۴	۲۰

بطوریکه جدول فوق نشان می‌دهد با توجه به اینکه اهمیت نسبی واردات در درآمد ملی در دو سال گذشته ۱۷/۲ درصد بوده است می‌توان گفت که حدود ۲/۵ درصد از ۱۶/۳ درصد افزایش قیمت‌ها در سال ۵۲ و ۲/۳ درصد از ۲۰ درصد افزایش قیمت‌ها در شش ماه اول سال جاری مربوط به تورم جهانی بوده که از طریق واردات به اقتصاد کشور نفوذ نموده است .

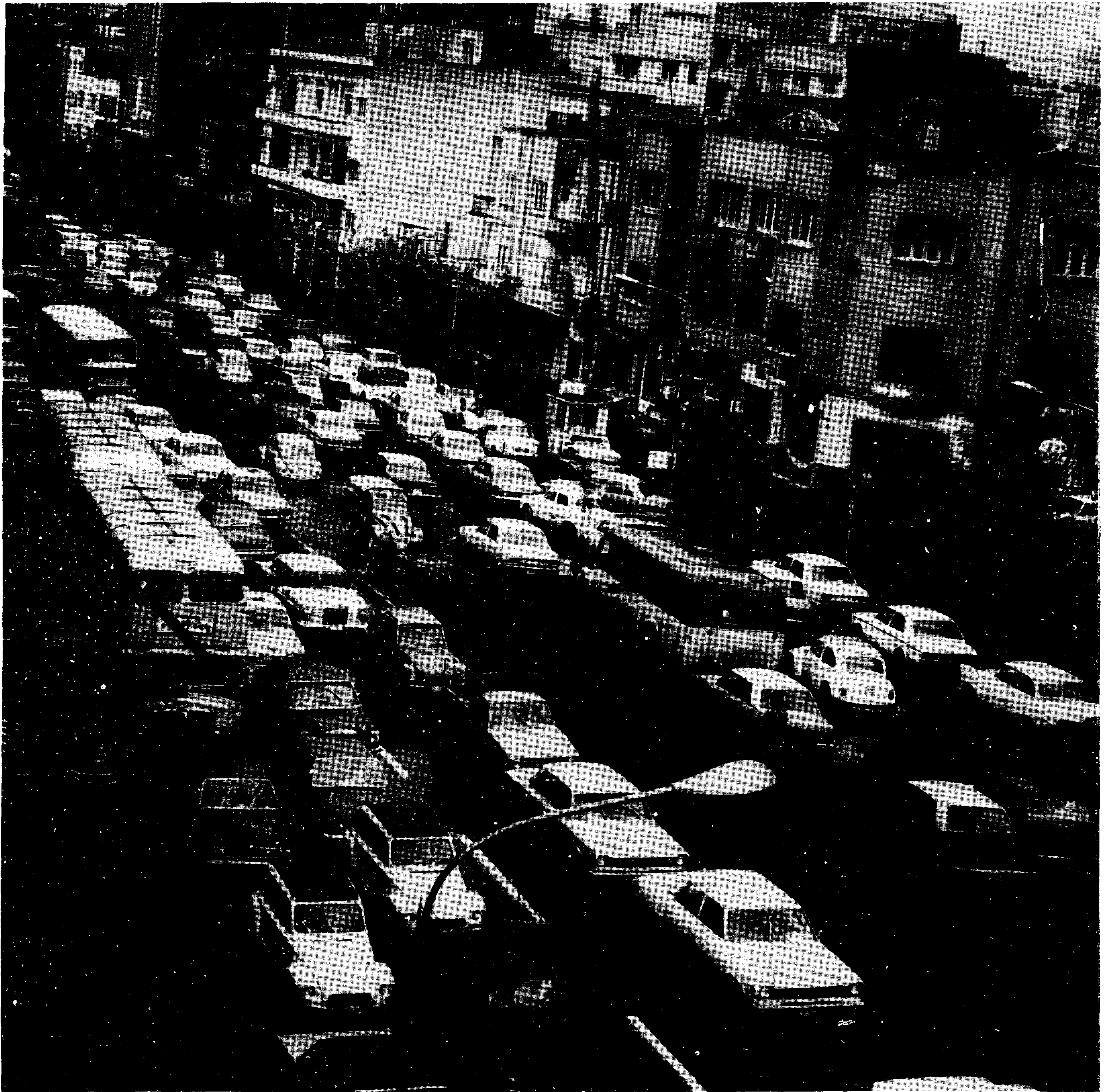
در سال جاری دولت از طریق وزارت بازرگانی اقداماتی برای خنثی کردن اثرات تورم جهانی به عمل آورده است که تا حدودی موثر بوده است . از آن جمله می‌توان کاهش و یا حذف سود بازرگانی پاره‌ای از کالاهای ضروری و مواد اولیه و نیم ساخته صنایع و پرداخت مبلغی بیش از ۵ میلیارد ریال بابت مابه‌التفاوت قیمت خارجی و داخلی برخی از کالاهای اساسی مصرفی و واسطه مانند گندم و گوشت و شکر و سیمان را نام برد .

در نتیجه اقدامات فوق واردات در سال جاری رویهم رفته جنبه ضد تورمی داشته و موجب گشته است که فشارهای تورمی موجود کلاً در شاخص قیمت‌ها منعکس نگردد و افزایش هزینه‌زندی برای طبقات مصرف کننده خیلی کمتر از میزان بالقوه آن باشد . سرایت تورم جهانی به اقتصاد کشور از طریق نرخ ارز - بطوریکه می‌دانیم بعد از جنگ جهانی دوم بر اساس قرارداد برتن دود دلار بعنوان یکی از پایه‌های اصلی سیستم پولی جهان گردید و اکثر پولها در جهان منجمله کشور ایران ارزش پولی خود را بر

اساس آن تعیین می‌نمودند و این وضع در حدود بیست سال دوام داشت ولی در سالهای اخیر وضع دلار متزلزل گردید و ارزش آن دو مرتبه تنزل کرد و اکثر کشورها وابستگی پول خود را به دلار رها نمودند ولی کشور ایران تاکنون این وابستگی را حفظ نموده است در نتیجه علی‌رغم وضع بسیار مساعدتر از پرداختهای کشور بعزت تنزل ارزش دلار نسبت به پاره‌ای از پولهای محکم از قبیل مارک و فرانک سوئیس ارزش پول ایران نیز نسبت به پولهای مذکور کاهش یافته است و همین عامل یکی از موجبات انتقال تورم از خارج به اقتصاد کشور گردیده است در صورتیکه هرگاه نرخ ارزها آزاد گذاشته شده بود به علت افزایش عرضه ارز (حاصل از درآمد نفت) نسبت به تقاضا نرخ ارزهای خارجی پائین آمده و اثرات تورم خارجی تا حدودی خنثی می‌گردید . به نظر می‌رسید بهتر است کشور ایران نیز مانند اکثر کشورهای دیگر وابستگی خود را به دلار رها نموده و ارزش ریال را بر اساس ترکیبی از نرخ ارز کشور هائی که حدود ۶ درصد بازرگانی خارجی کشورها با آنها می‌باشد تعیین نماید و در نتیجه ارزش ریال دوباره در برابر پول های مهم از قبیل مارک ترقی نموده و به سطح نرخهای قبل از مرحله اول تنزل ارزش دلار خواهد رسید .

اثرات تورم - تورم مداوم در هر کشور دارای اثرات نامطلوب اقتصادی و اجتماعی می‌باشد که مابه تفصیل در باره آنها در قسمت تورم جهانی بحث کردیم و چون اثرات تورم در ایران نیز کم و بیش مشابه سایر کشورها می‌باشد در اینجا از تکرار مطالب مذکور خودداری نموده و فقط به شرح یکی از مهمترین آنها که عبارت از تغییرات نامطلوب در تقسیم درآمدها می‌باشد اکتفاء می‌نمائیم .

تورم شدید و مداوم از طریق حرکت متفاوت قیمت ها و مزدها و حقوق ها در بخش های مختلف اقتصادی و تغییرات عمیق در تقسیم درآمدها و ساختمان و ترکیب هزینه‌ها می‌دهد که عموماً به ضرر طبقات کم درآمد و پسانداز کنندگان کوچک و به نفع ثروتمندان



و سفته بازان و زمین خواران و محترکین می باشد به عبارت دیگر می توان گفت که تورم همواره فقیر را فقیرتر و غنی را غنی تر می نماید. بطوریکه قبلاً "یادشده رشد اقتصادی ایران در سالهای اخیر شگفت انگیز و زبانزد عموم بوده است ولی باید دانست از روزی که در جهان مترقی رشد مطلق بدون توجه به کیفیت رشد و توزیع درآمدها بین طبقات مختلف مردم مورد توجه نیست و بیشتر رفاه عمومی مورد نظر است تا رشد مطلق و از این رو کشورهای مترقی در پایان هر سال برای نشان دادن تحولات اقتصاد کشور دوجداول تهیه و منتشر می نمایند که یکی مربوط به افزایش محصول ناویژه ملی نسبت به سال قبل است که نشان دهنده رشد می باشد و دیگری تغییراتی است که در توزیع درآمد ملی نسبت به سال قبل به عمل آمده و آن نمایشگر رفاه عمومی می باشد. در کشور ما بانک مرکزی ایران که چند سال است محاسبات درآمد ملی را به عهد ه دارد فقط رشد اقتصادی یعنی افزایش محصول ناویژه ملی را نسبت به سال قبل محاسبه نموده و منتشر می نماید بدون اینکه اطلاعاتی درباره تغییراتی که در توزیع درآمد ملی حاصل شده و طبقاتی که از این رشد استفاده کرده اند در اختیار مردم قرار دهد.

نظر به اینکه کشور ما در حال حاضر به مرحله ای از پیشرفت اقتصادی رسیده است که توزیع عادلانه تر درآمد اهمیت زیادتر از چند درصد رشد بیشتر یا کمتر پیدا کرده است و از این رو در برنامه پنجم تقسیم عادلانه درآمدها بین مردم اولویت خاص پیدا کرده است با توجه به توضیحات و دلائل مذکور ضرورتیست بانک مرکزی ایران فقط به محاسبه و ارائه میزان رشد اکتفا ننموده و با محاسبات و بررسی های دقیق تر روشن سازد که از رشد درخشان اقتصاد کشور چه طبقاتی بهره مند گردیده اند.

در کشور ما با وجود اینکه بعد از انقلاب ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ در اجرای منویات شاهنشاه آریامهر از طریق تعمیم بیمه های اجتماعی کارگران و کشاورزان و افزایش مزدها و آموزش رایگان و نیز تا حدودی از اختلاف درآمدهای حقیقی کاسته شده است ولی

محیط شناسی

هنوز بین درآمدهای حاصل از ثروت و کار گروههای مختلف مردم اختلاف زیاد وجود دارد. مداومت تورم در سالهای آتی که اختلاف را زیادتر خواهد کرد. بنظر اینجانب هر قدر دولت کوشش نماید با اقدامات مختلف از تورم جلوگیری نماید نتیجه آن محدود خواهد بود. زیرا با تزریق درآمد نفست به اقتصاد کشور هزینه های جاری و عمرانی دولت در سالهای آتی مانند دو سال گذشته افزایش فوق العاده ای یافته و رشد اقتصادی به بیش از ۳۰ درصد بالغ خواهد گردید و در هیچ کجای دنیا دیده نشده است که چنین رشد اقتصادی همراه با افزایش قیمتها نباشد.

بنا به مراتب فوق پیش بینی میشود در سالهای آینده در ایران مانند سایر کشورهای جهان وجود تورم اجتناب ناپذیر خواهد بود لذا از این رو ضمن اقدام مجدانه برای جلوگیری از گسترش تورم بایستی کوشش نمود اثرات نامطلوب از این قیمتها را بر روی توزیع درآمدها از طریق اصلاح پولی بر اساس شاخص قیمتها خنثی شود. زیرا انصاف نیست در کشوری که در یک سال (سال ۵۲) رشد ۵۰ درصد و درآمد سرانه ۴۵ درصد افزایش یافته است گروههای کم درآمد و پس اندازکنندگان نه فقط از این رشد استفاده نمایند بلکه بعلت رکود تورم کاهش قدرت خرید در آمد آنان سطح زندگی شان تنزل نماید. درآمدها و هزینه هائیکه بنظر می رسد بایستی نسبت به آنها تصمیم پولی بعمل آید. بشرح زیر است.

حقوق و مزد کارکنان دولت و بخش خصوصی باید بر اساس شاخص هزینه زندگی تعدیل و به آنان نام اضافه حقوق داده نشود و در صورتیکه مبلغی اضافه بر تصحیح پولی پرداخت شود آنرا اضافه حقوق محسوب دارند و این روش اثر روانی بهتری نیز در افزایش قیمتها خواهد داشت.

پس انداز کنندگان که امروز به بانکها اعتماد نموده و جوه خود را نزد آنها میسپارند و یا اینکه اوراق قرضه دولتی

آمدشان بالا رفته باشد در سطح بالای مالیات قرار میگیرند بایستی اشل مالیات بر اساس شاخص قیمتها تعدیل و حداقل بخشودگی بالا رود .

بیان موسسات بخصوص ارقام مربوطه به هزینه استهلاک باید بر اساس پول ثابت محاسبه و از آنها مالیات اخذ شود تا امکان حفظ سرمایه موسسات وجود داشته باشد و حال آنکه در حال حاضر استهلاک ماشین آلات و تاسیسات موسسات صنعتی بر اساس قیمت خرید بعمل می آید در صورتیکه ممکن است هزینه جانشین کردن آنها افزایش فوق العاده پیدا کرده باشد بهتر است برای تامین منظور فوق دولت کمیته مرکب از عده ای از کارشناسان اقتصادی و مالی تشکیل دهد تا کمیته مزبور هر سال درآمدها و هزینهها و سود و استهلاک و بهره پس انداز و اوراق قرضه دولتی را با در نظر گرفتن شاخص قیمتها

میخرند با دریافت ۷ الی ۹ درصد بهره با وجود ۲۰ درصد تورم مبالغی نیز از دارایی خود را از دست میدهند زیرا بهره حقیقی دریافتی آنها منفی می باشد . شرکتهای بیمه و صندوقهای باز نشستگی موسسات بخش خصوصی اگر نتوانند وجود خود را در اوراق قرضه دولتی با بهره اصلاح شده بر اساس شاخص هزینه زندگی سرمایه گذاری کنند مسلماً در آینده نخواهند توانست حقوق باز نشستگی کارمندان مربوطه را که با افزایش هزینه زندگی مسلماً افزایش خواهد یافت بپردازند .

بنابراین ضروریست برای پس انداز و اوراق قرضه دو نرخ که یکی بر اساس میزان تورم متغیر و دیگری ثابت باشد تعیین گردد .

مالیات آزاد و موسسات نیز بایستی بر اساس شاخص قیمتها تعدیل گردد . امروز اشخاص بدون اینکه واقعاً در



مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

و توجه به سایر جهات تعدیل نماید و در غیر اینصورت یکی از مهمترین هدفهای برنامه پنجم که توزیع عادلانه درآمدها میباشد مسلماً " دچار شکست خواهد شد .

بطور خلاصه میتوان گفت: سیاستهای پولی و ارزی و مالی و مالیاتی و بازرگانی و کشاورزی و صنعتی مربوط به اقتصاد با ۲ میلیارد دلار امکانات مالی متناسب با اقتصاد امروز با ۲۰ میلیارد دلار امکانات مالی نیست و ضروریست هر چه زودتر تجدید نظرهای اساسی در کلیه سیاستهای مزبور بعمل آید . درپایان یادآور میشود که ما اکنون در مرحله حساس تاریخ خود قرار داریم زیرا ما اکنون امکانات وسیع و بی نظیری برای پیشرفت بصورت منابع وسیع مالی از محل درآمد نفت و سایر منابع طبیعی و نیروی انسانی جوان برخورداریم که کمتر کشوری آنرا در اختیار دارد بعلاوه تحت رهبری شاهنشاه آریامهر از امنیت و ثبات سیاسی بی سابقه و موفقیت ممتاز بین المللی بهره میگیریم که از شرایط ضروری پیشرفت و توسعه اقتصادیست و معلوم نیست چنین فرصت و موقعیت مساعدی در آینده نیز بدست آید .

حال اگر از این امکانات مالی وسیع و فرصت گرانبها بطور صحیح و منطقی استفاده نمائیم مسلماً " به پیشرفتهائی سریعتر از گذشته نائل میشویم و در اندک مدت در ردیف کشورهای توسعه یافته صنعتی در میآئیم و رفاه عمومی تامین میشود و به مرحله تمدن بزرگ خواهیم رسید و در غیر اینصورت ممکن است همین امکانات وسیع مالی به ضرر مآتمام شود و اقتصاد کشور را دچار عدم تعادل و توازن و تورم شدید کند عدم تعادل و تورم شدید نیز علاوه بر اینکه بر اقتصاد کشور لطمات شدید وارد خواهد ساخت موجب خواهد گشت توزیع عادلانه درآمدها که مورد توجه خاص شاهنشاه آریامهر و از مهمترین هدفهای برنامه پنجم است موجه با شکست شود و حتی بر اختلاف درآمدها افزوده شود .

محیط شناسی

درپایان نتیجه سخنرانی خودم را بصورت پیشنهاد درده ماده که به نظر میرسد توجه به آنها در مبارزه با تورم موثر است برای بحث و تبادل نظر تقدیم کنگره مینماید .

۱ - چون در آمد نفت ممکن است بعد از مدتی کاهش یافته و یا بالکل تمام شود بعلاوه باید قبول کرد که نفت به نسل های دیگر نیز تعلق دارد و وظیفه ملی و اخلاقی ما این است که منافع آنرا از طریق برنامه های عمرانی و صنعتی عاید نسل های آینده نیز بسازیم . بنابراین سیاست عمومی اقتصادی کشور باید بر اساس حداکثر استفاده بطرق اقتصادی از در آمد نفت در حال حاضر و در عین حال حداکثر بی نیازی از آن در سال های آینده باشد و این فلسفه باید در تنظیم برنامه های عمرانی و صنعتی و بودجه کل کشور منعکس گردد .

برای تامین هدف فوق ضروریست در تعیین ضوابط سرمایه گذاری و انتخاب طرح های صنعتی تجدید نظر بعمل آورده و بر طرحها اولویت داده شود که مواد اولیه آنها در داخل تهیه میشود و یا اطمینان حاصل شود که محصولات آنها در مدت کوتاه از نظر قیمت و مرغوبیت با محصولات مشابه خارجی رقابت نموده و از طریق صادرات بتوانند ارز لازم برای ورود مواد اولیه و نیم ساخته خود را تامین نمایند .

۲ - بمنظور توسعه ظرفیت جذب سرمایه در اقتصاد کشور اعتبار کافی برای تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر تخصیص و با گسترش تربیت فنی و بهبود مدیریت و افزایش کارآئی موسسات تولیدی و اطلاع دستگاه های اداری از بروز تنگناها جلوگیری بعمل آید .

۳ - بمنظور تامین مواد غذایی کشور و مواد اولیه مورد نیاز صنایع در سال های آینده بایستی بخش کشاورزی از اولویت خاص برخوردار گردیده و با تخصیص اعتبارات کافی و تعمیم بیمه کشاورزی و تعیین حداقل قیمت فعالیت کشاورزی

به یک فعالیت سود بخش تبدیل گردد . بعلاوه با ایجاد کارهای جنبی درآمد کشاورزان را بالا برده و از سرازیر شدن آنها بسوی شهرها ممانعت بعمل آید .

۴ - بهتر است باتهییه بودجه اقتصادی براساس منابع حقیقی بخصوص نیروی انسانی ماهر و مواد ساختمانی و وسائل تاسیساتی موجود کشور و امکانات وارداتی بودجه برنامه‌ای کشور را تکمیل نمود تا معلوم گردد در صورتیکه عرضه منابع داخلی و کالاهای وارداتی برای اجراء کلیه طرحهای مندرج در بودجه سال جاری و سال آینده کافی نیست در عین حفظ تعادل اجتماعی و اقتصادی برای جلوگیری از افزایش مزدها و حقوق‌ها و قیمت مواد موقتا" از اجرای طرحهایی که در درجه دوم اهمیت قرار دارند خود داری شود .

۵ - با وجود اینکه در حال حاضر منابع وسیع مالی در اختیار دولت است ولی برای اینکه بتوان بدون تشدید تورم طرحهای عمرانی زیادتری را بموقع اجرا گذاشت بایستی در مصرف منابع حقیقی داخلی بخصوص نیروی انسانی متخصص و آب ، زمین و مواد ساختمانی بیشتر از سابق صرفه جوئی نمائیم و صرفه جوئی نباید محدود به صرفه جوئی در کاغذ و پذیرائی در ادارات باشد بلکه شامل کلیه اقلام هزینه گردیده و از کارهای تجملی و ریخت و پاش خود داری گردد .

۶ - در سیاست مالیاتی لازم است تجدید نظر بعمل آورده و بجای تحصیل حداکثر درآمد توزیع عادلانه درآمد و تشویق فعالیتهای تولیدی بعنوان هدفهای اصلی آن تعیین گردد .

برای تامین هدفهای مذکور بهتر است از میزان مالیاتهای غیر مستقیم بر کالاهای ضروری کاسته و بر میزان مالیات بر درآمد افزوده گردد ضمناً " برای کمک به افراد کم درآمد هر سال بر میزان حداقل بخشودگی بر مبنای شاخص هزینه^۶ زندگی افزوده گردد .

مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

۷ - حمایت از صنایع داخلی بایستی معتدل و حساب شده و موقت و همراه با کنترل بوده و از حداکثر شروع ، و بتدریج از سطح آن کاسته و پس از مدت معین بالکل قطع گردد و بهتر است این حمایت بیشتر از طریق در دسترس گذاشتن اعتبار و نیرو و وسائل حمل و نقل ارزان و معافیت ماشین آلات و مواد اولیه صورت گیرد تا وضع عوارض گمرکی ، و سود بازرگانی ، تا بدین طریق از تشکیل انحصارات و الگوپولی جلوگیری شود . حداکثر حمایت باید به صنایعی اختصاص یابد که مواد اولیه و نیم ساخته آنها در داخل تهیه می شود و یا اینکه بتوانند در مدت کوتاه با صدور فرآورده‌های خود ارز مواد مورد نیاز خود را تامین کنند . حمایت از صنایع مونتاژ باید متناسب با درصد ارزش افزوده داخلی باشد .

۸ - هزینه و قیمت محصولات و موسسات صنعتی انحصاری و نیمه انحصاری و همچنین میزان سود آنها بایستی بنفع مصرف کننده کنترل شود و نیز باید بین صنایع دولتی و بخش خصوصی رقابت در شرایط مساوی و عادلانه برقرار شود موسسات دولتی از امتیازات خاص مانند اجازه محل و مالیات و عوارض گمرکی و فروش انحصاری استفاده نکنند تا بدین ترتیب با کاهش هزینه‌ها و بالا رفتن کارائی سود آوری موسسات دولتی افزایش یابد .

۹ - برای خنثی کردن اثرات تورم جهانی در اقتصاد ایران پیشنهاد مینماید :

الف - سیاست فعلی پرداخت مابه‌التفات قیمت کارهای اساسی مصرفی و واسطه‌ها در نظر گرفتن منافع تولیدکنندگان توسط وزارت بازرگانی ادامه یابد .

ب - وابستگی ارزش ریال به دلار متروک و ارزش ریال بر اساس ترکیبی از نرخهای ارز کشورهاییکه بیش از ۶۰ درصد تجارت کشور به آنها اختصاص دارد تعیین گردد

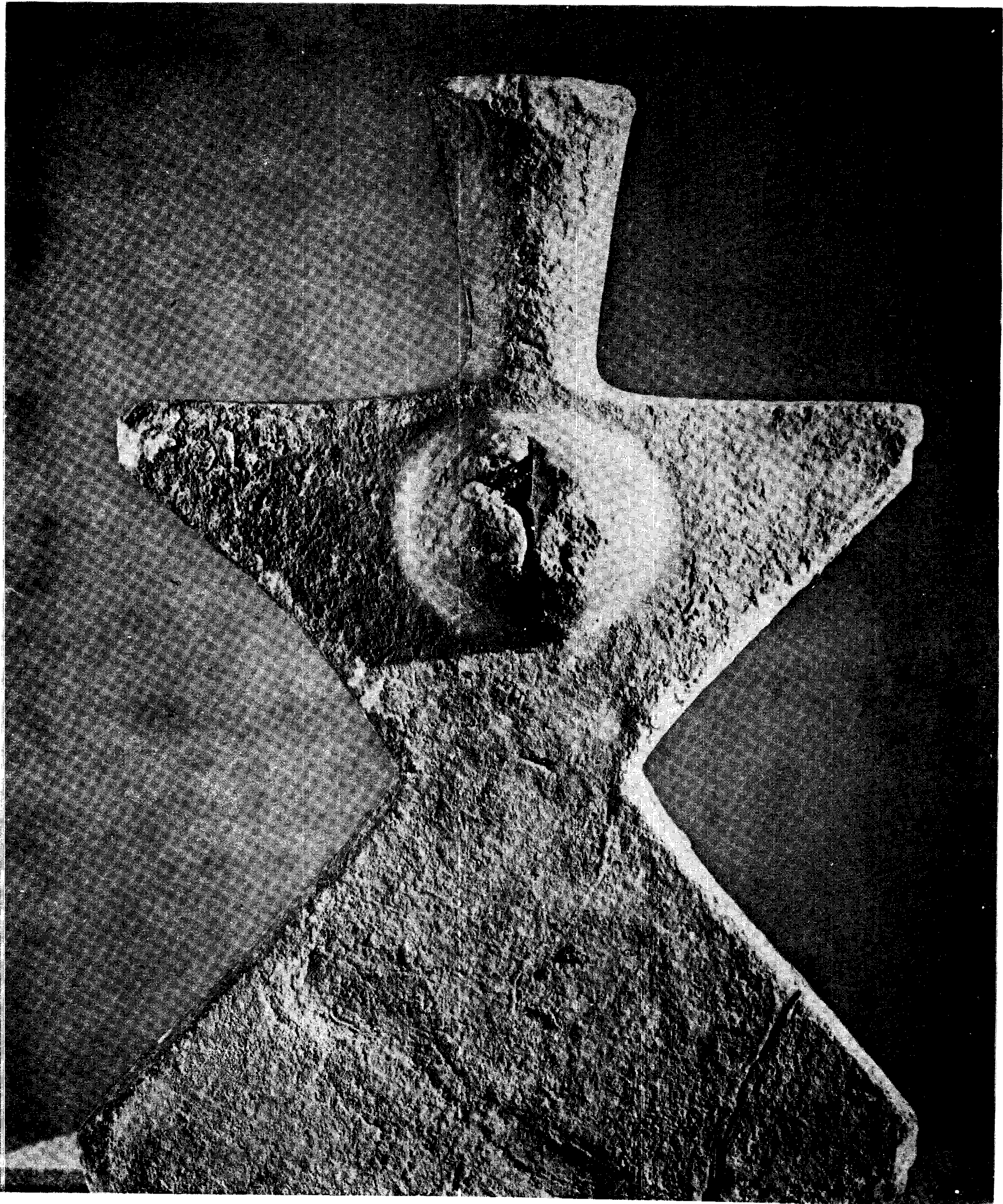
و بنظر می‌رسد بهتر است ارزش ریال در برابر پولهای مهم جهان مانند مارک حداقل به سطح قبل از مرحله اول تنزل ارزش دلار رسانیده شود .

۱۰ - بنظر می‌رسد در سالهای آینده با وجود اقدامات دولت برای مبارزه با تورم بعلت افزایش فوق العاده هزینه‌های عمرانی و جاری دولت کمیته‌ای تشکیل گردد تا کمیتهٔ مزبور هر سال بر اساس شاخص قیمتها نسبت به انواع درآمدها از جمله حقوق کارمندان و بهره پس انداز و اوراق قرضه دولتی و استهلاک ماشین آلات موسسات صنعتی اصلاح پولی بعمل آورد همچنین بانک مرکزی کوشش نماید ضمن محاسبات در آمد ملی علاوه بر جدول رشد محصول ناویژه ملی جدول دیگری که نشان دهندهٔ توزیع درآمد ملی بین گروههای مختلف اجتماعی باشد تهیه و منتشر سازد تا معلوم گردد در هر سال از رشد درخشان کشور چه گروههایی از مردم با چه نسبتی بهره مند میشوند .

منابع مورد استفاده

۱ - آمار منتشره در سالنامه بانک مرکزی ایران

۲ - گزارشات سازمان برنامه



۷